

تورج اتابکی

آذربایجان

در
ایران معاصر

ترجمه
محمدکریم اشراقی

انتشارات توس



- آذربایجان در ایران معاصر
- تألیف دکتر تورج اتابکی
- ترجمه محمدکریم اشراق
- حروفچینی و صفحه‌آرایی: توس (زیر نظر علی باقرزاده)
- چاپ اول، ۱۳۷۶
- تیراژ ۵۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی، پیچاز
- چاپ، حیدری
- انتشارات توس، تهران، اول خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۴۶۱۰۰۷ - ۰۲۱ - شماره: ۶۴۹۸۷۴۰ - ۰۲۱

شابک ۹۶۴-۳۱۵-۴۴۳-۲-۴۴۴ ISBN 964-315-443-2-444

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار نویسنده
۷	سخن مترجم
۹	مقدمه
۱. تبار آذربایجانی‌ها	
۱۷	ترک، آذری یا آذربایجانی
۲۲	ورود ترکان
۲۴	آذربایجانی‌ها، یک ملت یا گروهی قومی‌اند
۲۵	ملیت در برابر قومیت
۲۸	ترک‌ها هملت‌اند یا اُمّت
۳۱	ایرانیان یک اُمّت یا یک هملت یا اهالی‌اند
۳۶	آذربایجانی‌ها ملتی در قفقاز و گروهی قومی در ایران
۲. پیدایش نهضت خودمختاری آذربایجان	
۳۹	انقلاب مشروطه
۴۱	انجمن تبریز
۴۷	مجلس دوم و شکل‌گیری احزاب سیاسی
۵۱	جنگ جهانی اول: پایانِ نظم قدیم، ورود آرمان‌های جدید
۵۸	نهضت خیابانی

۳. سلطنت رضاشاه: یک کشور، یک ملت

بنای یک ملت - دولت نوین ۶۵

سیاست تمرکزگرایی ۶۶

۴. پیدایش دوباره نهضت خودمختاری آذربایجان

بحران دموکراسی تازه پا ۷۵

انتخابات مجلس چهاردهم ۸۳

مجلس چهاردهم: ماندگاری آن و مسأله رفاه عمومی ۸۸

آذربایجان در آستانه حوادث ۹۶

۵. حزب دموکرات آذربایجان

تشکیل حزب ۱۱۱

شرح حال رهبران حزب ۱۲۶

۶. حکومت خودمختار آذربایجان

استقرار خودمختاری ۱۴۱

دوران خوشبینی ۱۵۱

دوران اصلاحات ۱۵۹

رابطه باگردان ۱۶۲

دوران بدبینی ۱۶۴

دشواری‌های دیرپای دموکرات‌ها ۱۷۴

سقوط ۱۷۸

پایان بحران ۱۸۴

فرجام سخن ۱۹۹

پیوست‌ها ۲۰۵

یادداشت‌ها ۲۲۷

نام کسان ۲۷۹

کتاب‌شناسی ۲۸۵

پیشگفتار نویسنده بر ترجمه فارسی

اثری که پیش رو دارید حاصل پژوهشی است در باب تاریخ معاصر گوشه شمالی میهن مان که هرچند تاریخ معاصرش از تاریخ پاره‌های دیگر ایران جدا نیست، اما گاه، به خاطر ویژگی قومی ساکنانش، کارنامه تاریخی‌اش برگ دیگر خورده است. هدف این پژوهش ارائه تحلیلی بوده است غیرمرسوم و به دور از جانبداری‌های تاریخ پردازانه مستعارف از رویدادهای تاریخی یکصد ساله آذربایجان. در این اثر تلاشم همه براین بوده که نگاهی ناقدانه و از برون - و نه از درون - به رویدادها بیندازم و آنها را نه مجرد، که در پیوند متقابل با یکدیگر ببینم. در بازبینی اسناد تاریخی، هیچ‌گاه در جستجوی حقیقتی یگانه نبوده‌ام. حقایق تاریخی همیشه برایم چندگانه بوده‌اند که تنها با محک خوردن به اسناد و مدارکی که از منابع گونه‌گون به دست آمده مقام و ارزششان شناخته می‌شود.

اسنادی که در این پژوهش به آنها استناد شده، عمدتاً از منابعی انتخاب شده که متعلق به جناح‌های متخاصم بوده است. تعمدم در این کار، رعایت جانب انصاف بوده است. آرشیوهای مختلف اتحاد شوروی، وزارت امور خارجه انگلیس، ایالات متحده آمریکا - واشنگتن، وزارت امور خارجه هلند، فرقه دموکرات آذربایجان، حکومت خودمختار آذربایجان، و نیز منابع رسمی دولتی ایران از آن جمله‌اند. در کنار اسناد و مدارک منتشر نشده، باید از جرائد و مطبوعات دولتی و نیز احزاب و گروه‌های سیاسی هر دوره نیز یاد کنم که دریایی از اطلاعات پراکنده در خود داشتند. و نکته آخر، از آنجا که تاریخ معاصر ایران را

تاریخ شفاهی می‌دانم در پژوهش حاضر از اطلاعات حاصل از مصاحبه‌های بسیاری که با رهبران فرقهٔ دموکرات آذربایجان، حزب توده و اعضای سابق حکومت خودمختار آذربایجان و دیگر دولتمردان معاصر داشتم، بهره‌های بسیار برده‌ام. کاربرد این مصاحبه‌ها تنها محدود به باز نمودن نکات مبهم مربوط به رویدادهای مورد بحث نیست؛ نقش این مصاحبه‌ها را در ارزیابی، مقایسه و مقابلهٔ اسناد اصلی و فرعی مورد استناد نیز نباید نادیده گرفت.

این پژوهش را با هدایت استادم پرواند آبراهامیان، استاد ممتاز دانشگاه نیویورک، انجام دادم. از راهنمایی و تشویق بی‌کران ایشان سپاسگزارم. از یارانی که گه‌گاه سند و مدرکی در اختیارم نهادند و نیز سرورانی که اجازه دادند، در مصاحبه‌ها، پای حرف‌هایشان بنشینم و روایتشان را ضبط کنم، تشکر دارم.

جناب محمدکریم اشراق که این کتاب را برای ترجمه برگزیدند و آقای محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس، به خاطر زحمتی که برای چاپ و انتشار این کتاب کشیدند مرا پیش از هر چیز وامدار محبت خود کردند. به دل ممنونشان هستم. این یادداشت پایان نمی‌یابد اگر از ویرایش ناقدانهٔ ترجمهٔ فارسی و دلسوزیهای دوست خوبم رامین کریمیان یاد نکنم. ایامش به کام باد.

تورج اتابکی

اوترخت - هلند

بهار ۱۳۷۵ خورشیدی

به نام خداوند جان و خرد

سخن مترجم

آگاهی از پژوهش‌های علمی در همه زمینه‌ها برای جامعه ما ضرور است. هنگامی که این پژوهش‌ها به گونه‌ای به سرزمین عزیزمان ایران پیوند دارد، نیاز به آن دوچندان می‌گردد. تحقیقی تاریخی که اینک در دست دارید محصول پشتکاری فراوان مؤلف محترم و کاربرد شیوه‌ای علمی در بهره‌برداری از منابع و گزارش‌های تاریخی، اسناد دیپلوماسی، خاطرات و محفوظات دست اندرکاران و شاهدان ایرانی و خارجی است و نه تنها می‌تواند آموزنده و آگاه‌کننده باشد بلکه راه‌گشا و درآمدی است برای پژوهش‌های بعدی. بنابراین، ترجمه آن به درک بهتری از مسائل تاریخی کشورمان خواهد انجامید. مترجم با چنین آرزویی، به ترجمه این اثر دست زده و امیدوار است که تلاش وی مقبول افتد.

در این جا لازم است از مؤلف محترم که در همه مراحل کار، با توضیح‌ها و یادآوری‌های ارزنده خود، مرا یاری داده و پیشگفتاری نیز بر ترجمه فارسی افزوده است و نیز از آقای محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس و آقای رامین کریمیان، دوست نادیده، که بر ترجمان منت گزارده، با تقبل ناملايمات و نکته‌سنجی‌های خود رنج چاپ متن فارسی را در تهران بر دوش گرفتند سپاسگزاری کنم. همچنین واجب می‌دانم از آقای دکتر ابوسعید رهبری که با حوصله فراوان ترجمه فصل‌های اول تا پنجم را خواندند و برخی از لغزش‌هایی را متذکر شدند که اگر در ترجمه می‌ماند مرا شرمنده خوانندگان می‌ساخت، قدردانی نمایم. روشن است که ترجمان، مسئولیت همه نقائص و کمبودهای ترجمه را خود به عهده می‌گیرد.

محمدکریم اشراق

لايه - فروردین ۱۳۷۵

مقدمه

تاریخ نگاری سنتی غالباً به نگرش مبتنی بر اصول در ساختارهای قدرت توجهی ندارد. آری اساساً، اگر تاریخ را به عنوان مجموعه‌ای از نظرات و اهداف مشخص و از روی آگاهی تک تک افراد و یا گروه‌ها به حساب آوریم، رقابت‌ها و حسادت‌های جزئیِ نخبگان همچون پدیده‌هایی کم‌اهمیت و پیش‌پاافتاده است، که نسبت به جریان یا «تفسیر» تاریخ دارای اهمیتی در خور نیست.

ن. الیاس، *محکمة اجتماع*، ص ۲۷۶

به اصطلاح تاریخ سیاسی، قرن بیستم را بیشتر از هر مشخصه دیگری، می‌توان قرن رواج ناسیونالیسم معرفی کرد. قرنی که افزایش بی‌سابقه دولت-ملت‌های حاکم کوچکی را شاهد بوده است. بر این مطلب باید افزود که برپایی چنین دولت-ملت‌های نوپایی غالباً مستلزم ساختن و پرداختن یک سلسله سنت‌های تاریخی ضروری برای توجیه و تقویت دولت تازه پا است. عامل عمده‌ای که در تجمع گروه‌های مردم و تجهیز درک آنان از هویت و وحدت سیاسی مؤثر است دوباره نویسی تاریخشان است. در بعض موارد، صرف به کارگیری نام‌های پرطنطنه باستانی و تاریخی کافی بوده است تا به ایجاد وحدت برای مشروعیت سیاسی منجر

گردد. مثلاً برای یونانیان، نام شکوهمند مقدونیه هنوز هم مانند گذشته به همان اندازه اهمیت دارد که واژه پارس برای ایرانیان و تاحد کمتری کلمه توران برای برخی از ترکان. در نتیجه می توان گفت محتوای اجتماعی پاره‌ای از عبارات کلیدی خاص اجتماعی-سیاسی و به همین ترتیب اصطلاحات جغرافیایی، در مدعای استقلال سیاسی و در شکل‌پذیری مرزهای جغرافیایی دولت‌های حاکم نوپا عنصر مهمی تلقی می‌شود.

اگر بزرگترین تحول سیاسی سرآغاز قرن بیستم را اضمحلال دو امپراتوری قدیمی، یعنی امپراتوری عثمانی و دیگری امپراتوری روسیه تزاری به شمار آوریم، پایان این قرن، با فرو ریختن شکفت‌آور ابرقدرت اتحاد شوروی، نشان داده خواهد شد. بنابراین، در نتیجه چنین فرایند پراکنده گشتنی، تعدادی دولت تازه پای مستقل تأسیس شده است که بیشتر آنها در جست‌وجوی هویت صحیح تاریخی خویش‌اند که می‌پندارند از دست رفته است.

پس از جنگ اول جهانی، هنگامی که امپراتوری دیرپای روسیه جای خود را به دولت نوین انقلابی شوروی داد، عده‌ای به این باور رسیده بودند که عصر ناسیونالیسم - دست‌کم در اروپا - به سر آمده است و عصر نوین دیگری با این باور برای بشریت طلوع نموده که در آن جای مفهوم قدیمی و قرن نوزدهمی هویت ملی را، «هویت طبقه» خواهد گرفت. در واقع خود اتحاد شوروی، با تأکید بر این باور، وانمود می‌کرد که در سرزمین کهنسال روسیه، میهنی نوین پایه‌گذاری شده که توانایی این را دارد که «انسان جدید شوروی» پروراند. ویژگی اصلی این میهن نوین را نیروی ذاتی آن در تعالی بخشیدن به هویت گروه‌های نژادی گوناگون می‌دانستند. برای ایفای چنین «جبر تاریخی» و هموار ساختن راه پرورش فردی نوپیدا، که «انسان جدید شوروی» خوانده می‌شد، کوشش بسیار به کار رفت تا هم در سطح منطقه‌ای و هم در حوزه بزرگ امپراتوری‌های بین‌المللی تاریخ دوباره نویسی شود.

در مقابل این جریان، درون همان مکتب تاریخ‌نگاری، گرایش‌هایی جزئی بر مبنای احساسات ملی که به وسیله مورخان محلی عرضه می‌شد، برای حفاظت از هویت خود در برابر هویت فراگیر و احاطه جوی شوروی، به تدریج پا به عرصه وجود گذاشتند. مثال روشنی از این شیوه تجدیدنظرگرایی تاریخی، که متأثر از مقاصد سیاسی بود، در بازنویسی اساسی تاریخ آذربایجان شوروی (جمهوری آذربایجان کنونی)، که در شمال آذربایجان ایران واقع است، به چشم می‌خورد.

پس از دوره استالین برای جایگزینی کتب تاریخی نوشته شده در اوایل این دوره، به آسانی می‌توان کوششی را که برای تأکید بر تداوم تاریخ ملت «ترک آذربایجان» به کار رفته

است، ملاحظه کرد. [۱] بنا بر نوشته نویسندگانی از این گروه منطقه آذربایجان از عهد باستان میهن قبایل مشخص ترک بوده است. به کاربرد اصطلاحاتی مانند آذربایجان شمالی و جنوبی در بعضی محافل روشنفکری آذربایجان ایران و آذربایجان شوروی سابق، برای تشخیص مناطق شمالی و جنوبی رودخانه ارس، نمونه دیگری از کوشش برای بهره‌گیری از اصطلاحات ساده جغرافیایی به منظور ایجاد مشروعیت تاریخی است. بدیهی است در بطن گزینش این اصطلاحات، تمایل به اعلام همگنی فرهنگی در هر دو منطقه جغرافیایی و نوعی دعوت تلویحی از آذربایجان ایران به یکپارچگی با آنچه امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می‌شود، به چشم می‌خورد.

برای ایرانیان عموماً و برای آذربایجانی‌های ایرانی خصوصاً، مضامینی سیاسی که با مفاهیمی مانند قومیت و ملیت آمیخته شده بودند، درست پس از انقلاب مشروطیت ۱۹۰۵ - ۱۹۰۹ (برابر ۱۳۲۳ - ۱۳۲۷ ق / ۱۲۸۴ - ۱۲۸۸ خ)* مطرح شد. نفوذ عقاید غربی قرن نوزدهمی پیرامون ملت، ملت‌گرایی و حاکمیت ملی، تنگاتنگ با گسترش پان‌ترکیسم در آناتولیای همسایه، پاره‌ای از محافل روشنفکر طبقه متوسط ایران را نسبت به نتایج تغییرات سیاسی که در این منطقه در اوایل قرن بیستم در جریان بود نگران ساخت. دلشوره عمده این روشنفکران نگاهداری استقلال ایران و مبارزه با هر گرایشی بود که کشور را به دولت‌های منطقه‌ای جداگانه‌ای تجزیه می‌کرد.

در پی اضمحلال امپراتوری عثمانی، زمانی که ناسیونالیست‌های ترک بر آرمان میهن بزرگتری از همه ترک‌ها تبلیغ می‌کردند و برای جدایی از ایران و پیوستن به میهن جدید «همه ترک‌ها» مراجعاتی هم به ایرانیان شده بود، گروهی کوچک از ایرانیان روشنفکر که در برلین سکونت داشتند به صورت حامیان پر سر و صدای حفظ هویت و حاکمیت ایران درآمدند. اعضای این گروه روشنفکر، که بعدها به ایران برگشتند و در حکومت صاحب مقامات بانفوذی شدند، گرایشی در تاریخ‌نگاری ایران پایه نهادند که در آن بیش از همه بر تداوم فرهنگ ایرانی تأکید و به حفظ ارزش‌های ایران پیش از اسلام توجه می‌شد.

هنگامی که آتش جنگ اول شعله‌ور شد، سر درگمی و هرج و مرج سیاسی همه ایران را فراگرفت. حکومت‌ها یکی پس از دیگری ثابت کردند که توانایی حل دشواری‌های فزاینده کشور و به اجرا درآوردن اصلاحات اساسی را ندارند. البته، در شمال کشور، یعنی در آذربایجان، گیلان و خراسان، افراد اصلاح‌طلبی بودند که اعتقاد داشتند اگر بتوان مبارزات

* از این پس در متن به جای اصطلاح هجری قمری «ق» و به جای اصطلاح خورشیدی «خ» بکار برده خواهد شد.